



زبان فارسی در آسیای مرکزی در گذشته و حال

○ مهدی سنایی

زبان فارسی، در آسیای مرکزی شناخته شده و رایج است. این زبان در بخش‌های مختلف این منطقه کم و بیش مورد توجه بوده و در تاجیکستان زبان روزمره مردم است. در تاشکند، دوشنبه و عشق‌آباد، ضرب‌المثل‌ها و اشعار فارسی وارد زبان مردم محلی است و میان فردوسی، حافظ و سعدی با شعرا و ادبای بزرگ این منطقه تفاوتی گذاشته نمی‌شود و در سمرقند و بخارا نیز اکثریت مردم تاجیک دارای گویش فارسی هستند. کاست‌های موسیقی ایرانی در همه جمهوری‌ها یافت می‌شود و مورد علاقه مردم است. در شهرهای این منطقه، پس از استقلال، مردم با دیدن ایرانیان نغمه «بوی جوی مولیان آید همی» سر می‌دهند.

علل رواج زبان فارسی در آسیای مرکزی را، می‌بایست در پیشینه فرهنگی و اجتماعی این مناطق جستجو کرد. تاریخ مشترک این مناطق با ایران، موجب شده است که زبان فارسی امروزه در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و برخی مناطق ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان رواج داشته باشد. همچنین انواعی از گویش فارسی چون بلوچی و کردی در ترکمنستان رواج دارد. بغیر از تاجیکی که خود نوعی از گویش فارسی محسوب می‌شود زبانهای ترکمنی، ازبکی، قرقیزی و قزاقی نیز کاملاً متأثر از زبان فارسی هستند و اصطلاحات، لغات و ضرب‌المثل‌های فراوانی را از این زبان به وام گرفته‌اند. زبان تاجیکی خود در زمره زبانهای جنوب غربی ایران که از لهجه باستانی ناحیه جنوب غربی فلات ایران ریشه گرفته‌اند، محسوب می‌شود. علاوه بر این در تاجیکستان تدریس زبان فارسی نیز سابقه‌ای طولانی دارد. در ازبکستان نیز شعر پارسی



با رودکی پا به عرصه وجود نهاد که اهل قریه «پنج رودک» از توابع سمرقند بود و اکنون مزار او در این قریه است. «ابوحفص سغدی» مؤلف یک کتاب لغت فارسی نیز از همین ناحیه برخاسته است. ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، معنوی بخارائی، منشوری سمرقندی، منجیک ترمذی و دیباجی سمرقندی از دانشمندان، ادبا و شعرای پارسی‌گوی این منطقه در قرن چهارم و پنجم بوده‌اند. در قرن ششم هجری نیز نویسندگانی چون رشیدالدین وطواط، نظامی عروضی، شهاب‌الدین ترمذی، عوفی بخارائی و شیخ نجم‌الدین کبری از این منطقه برخاسته‌اند. به همین ترتیب و در قرون هفتم و هشتم و پس از آن دانشمندان و ادبای پارسی‌گوی فراوانی از این منطقه برخاسته‌اند که ذکر نام همه آنها از عهده این مقاله خارج است^۱. وجود این تعداد شاعر و ادیب که برخی از آنها از مشاهیر و بزرگان ادب، هنر و شعر فارسی هستند، عمق نفوذ فرهنگ و زبان فارسی را در این منطقه نشان می‌دهد. این سابقه عمیق زبان فارسی در ازبکستان هم اکنون علاوه بر رواج کامل این زبان در مناطقی از سمرقند و بخارا، در حضور لغات فراوان فارسی در زبان ازبکی تجلی یافته است. در قزاقستان و قرقیزستان نیز تأثیر زبان و ادب فارسی در فرهنگ و سنن محلی کاملاً مشهود است. از سه گویش موجود در قرقیزستان (شمالی، جنوب شرقی، جنوب غربی) گویش اخیر متأثر از زبان فارسی است. در قزاقستان نیز تأثیر زبان فارسی و کلمات فارسی در زبان قزاقی بسیار قابل توجه است. علل اصلی نقش بزرگ زبان فارسی در آسیای مرکزی رامی بایست در «تاریخ و پیشینه مشترک»، «حضور ایرانیان در آسیای مرکزی» و «تاجیکها» جستجو کرد. پیوند آسیای مرکزی با ایران به قبل از ظهور اسلام و بلکه به قبل از ظهور مسیحیت برمی‌گردد. منطقه عظیمی از آسیای مرکزی کنونی در گذشته جزئی از ایران بوده است^۲.

۱- منبزه تراپ زاده و ... ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی ۱۳۷۳

۲- رک: شیرین اکیز، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمد حسین آریا (تهران، شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۳۴۰.



در سده‌های چهارم و سوم پیش از میلاد، «ماساژت‌ها» تقریباً همه طوایف بیابانگرد آسیای مرکزی در شمال تا شرق تا کوه‌های «نیان‌شان» و احتمالاً بسیاری از طوایف استپهای قزاقستان را مقهور ساختند. این امر منجر به گسترش فرهنگ آنها شد که تا حدود زیادی از فرهنگ ایران هخامنشی اقتباس شده بود. در این دوران هنر ایرانی نیز به نحو مؤثری برخی کارهای دستی را در استپ‌ها تحت تأثیر قرار داد. در سده‌های پنجم و ششم قبل از میلاد در استپهای کنونی قزاقستان و آسیای مرکزی «سکاها» و «سارمات‌ها» زندگی می‌کردند که اقوامی ایرانی زبان بودند. ماساژت‌ها اگرچه در سده‌های سوم و چهارم قبل از میلاد فرهنگ جدیدی معروف به «پروخورفکایی» را در منطقه گسترش دادند اما چنانکه گفته شد فرهنگ ایرانی وارد این فرهنگ جدید شده بود و بسیاری از عناصر فرهنگ سارماتی باستانی را در آن وارد کرده بود^۱.

بخش اعظم آسیای مرکزی همان ماوراءالنهر گذشته است. این سرزمین خاستگاه آریانیان بوده است. این سرزمین همان «ایران و بجه» است که در اوستا از آن یاد شده است که بخشهایی از آسیای مرکزی را نیز شامل می‌شده است. منطقه آسیای مرکزی که در قدیم الایام ماوراءالنهر یا خراسان بزرگ نامیده می‌شد پس از ظهور اسلام و گسترش اسلام به این منطقه بصورت یکی از مراکز تحولات علمی و فرهنگی درآمد. ایرانیان سهم بزرگی در گسترش اسلام در آسیای مرکزی داشتند و به همین دلیل در ماوراءالنهر و خراسان با استفاده از نظام و نهادهای آموزش و پرورش ایران باستان مدارس رونق خاصی یافت و کانونی شد برای تربیت دانشمندانی بزرگ^۲.

جاده ابریشم نیز در طی حلقه اتصالی بوده است میان ایران و آسیای مرکزی. با مطالعه جاده ابریشم اطلاعات تاریخ فراوانی از تاریخ و فرهنگ جوامع انسانی که در این

1- Dvorink, *The Making of Central and Eastern Europe*, London, 1949.

۲- دکتر میرالدین احمد: نهاد آموزش اسلامی، محمد حسین ساکت (مشهد، آستان قدس رضوی)

مسیر زیسته‌اند بدست می‌آید. همراه کاروانهایی که از این جاده می‌گذشت صنعتگران، هنرمندان و معماران نیز حرکت می‌کردند و فرهنگ و آداب و رسوم خویش را به اقصی نقاط می‌بردند. این جاده از سوئی به تمدن یونانی و لاتین ختم می‌شد و از سوی دیگر به تمدن آسیای شرقی و چین و به همین دلیل تأثیر فرهنگها را بر یکدیگر مشاهده می‌کنیم و مجسمه‌هایی که از بودا به سبک یونانی و رومی ساخته شده است. در میان راه این جاده، فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی قوار داشت که از طریق همین جاده علم، معرفت و زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را به دیگر جوامع عرضه می‌کرد. اوج دوران ارتباط فرهنگی در مسیر جاده ابریشم به دوران تشکیل حکومت‌های اسلامی در مسیر این جاده برمی‌گردد. در طول این دوران در شهرهای مسیر جاده کتابخانه‌های بزرگی تأسیس شد و تبادل اطلاعات و علم میان جوامع مسلمان با یونان و چین فزونی گرفت. جاده ابریشم در طول تاریخ وسیله‌ای بوده است برای حضور فرهنگ، هنر و زبان ایرانی در سرزمینهای آسیای مرکزی، چنانکه بوضوح فرهنگ و زبان ایرانی در شهرهای مسیر این راه از بخارا تا کاشغر حضور محسوس تری دارد.

حکایتی از گلستان به خوبی گستره زبان فارسی و میزان آشنایی مردم ماوراءالنهر و ترکستان را با این زبان نشان می‌دهد. این حکایت مربوط به دیدار سعدی از مسجد جامع شهر کاشغر است که هم‌اکنون بخشی از ایالت مسلمان نشین «سین‌کیانگ» چین محسوب می‌شود. رفتار طلاب مدرسه مسجد جامع کاشغر با سعدی به گونه‌ای است که احساس می‌شود وی وارد جامع شهر شیراز یا اصفهان شده باشد. گویی نام سعدی و اشعار وی به خوبی نه تنها در مدرسه شهر و نه تنها در شهر که در همه آن سرزمین شناخته شده است. این حال و هوای در کاشغر که شرقی‌ترین نقطه جاده ابریشم محسوب می‌شود، نشانه حضور گسترده زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در تمام طول جاده ابریشم است. به نظر می‌رسد که نقل کامل این حکایت در اینجا خالی از فایده نباشد.

سالی محمد خوارزمشاه (رحمة الله علیه) باختا برای مصلحتی صلح اختیار کرد. به جامع کاشغر درآمد، پسری دیدم بخوبی به غایت اعتدال و نهایت جمال چنان که در امثال او گویند:

معلمت همه شوخی و دلبری آموخت جفا و ناز و عتاب و ستمگری آموخت
مقدمه نحو زمخسری در دست داشت و همی خواند (ضرب زید عمرواً و کان
المعتدی عمرواً) گفتم: ای پسر! خوارزم و ختا صلح کردند و زید و عمر را همچنان
خصومت باقیست، بخندید و مولدم پرسید. گفتم خاک شیراز! گفت: از اشعار سعدی چه
داری؟ گفتم: ... (سعدی چند بیت شعر عربی را می‌خواند)

لختی به اندیشه فرورفت و گفت: غالب اشعار او در این سرزمین به زبان پارسی
است. اگر بگویی به فهم نزدیکتر باشد؛ گفتم:

طبع تو را تا هوس نحو کرد صورت صبر از دل ما محو کرد

ای دل عشاق به دام تو صید ما به تو مشغول و تو با عمر و زید

با مدادان که به عزم سفر مصمم شدم، گفته بودندش که فلان سعدیست. دوان آمد و
تلطف کرد و تأسف خورد که چندین مدت چرانگفتی منم سعدی تا شکر قدم بزرگان را
میان به خدمت بیستمی؛ گفتم: با وجودت زمن آواز نیامد که منم، گفتا چه شودگر در این
خطه چندی بر آسایی تا به خدمت مستفید گردیم. گفتم نتوانم... این بگفتم و بوسه بر سر
و روی یکدیگر دادیم و وداع کردیم. (گلستان، باب عشق و جوانی)

در همه شهرهای مسیر جاده ابریشم در جمهوری‌های آسیای مرکزی حضور زبان
فارسی و فرهنگ ایرانی احساس می‌شود. در بسیاری از این مناطق گروهی از
ایرانی‌الاصلا نیز زندگی می‌کنند. زبان فارسی از دیدگاه مردم آسیای مرکزی، زبان
فرهنگ و تمدن پنداشته می‌شده است و طی قرون متمادی در حالی که زبانهای محلی
نیز رواج داشته است، زبان جاری دیوان و حکومتها فارسی بوده است و لذا به عنوان
زبان حکومتهای ایران و دانش شناخته شده است.

زبانهای محلی اقوام آسیای مرکزی مملو از کلمات و اصطلاحات فارسی است. نان، داروخانه، آشخانه، کوچه، پیغامبر و فرشته و دهها کلمه دیگر از جمله کلمات فارسی است که توسط همه اقوام آسیای مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آثار قدیمی که در موزه‌های این منطقه دیده می‌شود عموماً به زبان فارسی است. بجز در بخشهای شمالی قزاقستان که سابقه سکونت و شهرنشینی در آن وجود ندارد در سایر مناطق آسیای مرکزی هنر و معماری ایرانی در اکثر ساختمانهای بجا مانده از دوره‌های پیشین هویدا است. مدارس و مساجد بخارا، مدارس علمیه در سمرقند، مساجد، ساختمانهای قدیمی در جنوب قرقیزستان، ساختمان مقبره خواجه احمد یسوی عارف بزرگ قزاق و دهها ساختمان در این منطقه با معماری ایرانیان ساخته شده است و در بسیاری از آنها نامهای اساتید سازنده بنابر روی ساختمان نوشته شده است. حال و هوای مدرسه شیردار در سمرقند، مدرسه میر عرب در بخارا و حتی مقبره خواجه احمد یسوی در شهر ترکستان در استان جنوبی قزاقستان درست همان حال و هوای مدرسه چهارباغ، مسجد امام اصفهان و بناهای دیگر قدیمی را در سایر شهرهای کنونی ایرانی دارد. طرح بیرونی و درونی همه این ساختمانها دقیقاً مشابه بناهای موجود در ایران است.

گسترش فرهنگ اسلام در آسیای مرکزی با حضور فرهنگ ایران همراه بوده است و با تبلیغ و نشر اسلام، در این دوره ما یک تمدن اسلامی - ایرانی را در منطقه می‌بینیم. ایرانیان نقش بسزایی در ترویج اسلام در منطقه داشته‌اند و در عین حال زبان و فرهنگ ایرانی را نیز گسترش می‌داده‌اند. در ازبکستان مردم بسیاری از احکام اسلام را به زبان فارسی آموخته‌اند و به عنوان مثال نیت نماز میت را هنوز هم به فارسی می‌خوانند.

بسیاری از محققین معتقدند که نخستین فرهنگی که اقوام محلی آسیای مرکزی با آن روبرو شدند فرهنگ ایرانی بوده است. مختار عویضف نویسنده قزاق شهادت می‌دهد که در بین ایل قزاق که قومی بیسواد بودند داستانهای شاهنامه و لیلی مجنون نقل می‌شد.^۱

۱- دکتر صفر عبدالله: فرهنگ ایرانی در قزاقستان (سفارت جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان، ۱۳۷۴).

تاریخ مناطق و مردمان آسیای مرکزی نیز توسط مورخان به زبان فارسی تدوین شده است. این واقعیت به دلیل استیلای فرهنگی ایران بر منطقه و همچنین به این دلیل بوده است که مورخان عمده در قرنهای ۱۵ و ۱۷ میلادی به زبان فارسی کتابهای خود را تدوین نموده‌اند. از جمله این کتابها شبانی نامه کمال‌الدین بنیانی، زبدة الآثار مولانا عبدالله بن محمد بن علی نصراللهی، تاریخ ابوالخیر خانی مسعود ابن عثمان کوهستانی، بدایع الوقایع زیدالدین محمود واصفی را می‌توان نام برد که به بررسی تاریخ این مناطق پرداخته‌اند.^۱ پیشینه و فرهنگ مشترک دو ملت را به راحتی می‌توان از طریق دانشمندان، شعرا و مظاهر ملی این جمهوری‌ها بررسی و ادراک نمود. بسیاری از شعرا و دانشمندان آسیای مرکزی در یک مکتب آموزشی ایرانی - اسلامی درس آموخته‌اند.^۲ مختموقلی فراغی، علی شیرنوائی، صدرالدین عینی و آبای که از شعرای بنام و مورد احترام در جمهوری‌های آسیای مرکزی هستند درس آموخته کلاس شعرای ایرانی هستند و همه اینها خود به صراحت این نکته را بارها یادآور شده‌اند.

از سوی دیگر شعرای بنام ما چون حافظ، فردوسی، سعدی و خیام در نزد عموم مردم این مناطق شناخته شده هستند و برخی شعرهای آنان ورد زبان عامه مردم می‌باشد.

این سابقه فرهنگ، هنر و زبان ایرانی در آسیای مرکزی موجب شده است که پس از استقلال این جمهوری‌ها در دانشگاههای خود توجه خاصی به زبان فارسی بنمایند. بخش‌های زبان فارسی در دانشگاههای آسیای مرکزی رونق خاصی یافته است و بخش جدیدی نیز در دیگر دانشگاهها افتتاح شده است. در تاشکند تدریس زبان فارسی سابقه طولانی دارد و بسیاری از اساتید زبان فارسی آسیای مرکزی در دانشگاههای تاشکند درس خوانده‌اند. در ترکمنستان نیز زبان فارسی در دانشگاه مختموقلی و یک

۱- دکتر صفر عبدالله: فرهنگ ایرانی در قزاقستان (سفارت ج.ا. ایران در قزاقستان، ۱۳۷۴).

۲- علی اکبر ولایتی: نگاهی دوباره به تاریخ آسیای مرکزی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۱) سال اول، شماره اول، ص ۱.



زبان فارسی در آسیای مرکزی در گذشته و حال

دانشگاه دیگر تدریس می‌شود و هم اکنون نزدیک به دویست نفر دانشجوی زبان فارسی در این جمهوری مشغول فراگیری زبان و ادبیات فارسی هستند. در قزاقستان هم اکنون در چهار دانشگاه مجموعاً پنج بخش زبان فارسی وجود دارد. در دانشگاه‌های «الفارابی» زبانهای جهان، «خبرنگاری بین‌المللی» و «خواجه احمد یسوی» هم اکنون مجموعاً بیش از دویست نفر دانشجوی زبان فارسی مشغول به تحصیل این زبان هستند. در قرقیزستان نیز در سالهای اخیر در «دانشگاه علوم اجتماعی» و «دانشگاه ملی» این جمهوری بخش زبان فارسی افتتاح شده است. در قزاقستان همچنین در دو مدرسه ۱۲ و ۱۳۷ آلماتی پایتخت این جمهوری بیش از صد نفر زبان فارسی می‌آموزند. در مورد تاجیکستان و گستره آموزش و تدریس زبان فارسی در این جمهوری نیاز به سخن نیست. تدریس و آموزش زبان فارسی در آسیای مرکزی در سالهای اخیر مورد حمایت جدی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. اقدامات متعددی در این مورد از جانب سفارتها و رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه صورت گرفته است و در مرکز نیز حمایت‌های متعددی از این امر انجام گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان: کمک به بخش‌های زبان فارسی از جهت وسایل کمک آموزشی و دیگر احتیاجات این بخش‌ها، اعزام اساتید زبان فارسی برای تدریس در دانشگاه‌های این جمهوری‌ها، چاپ کتاب «دریچه‌ای به زبان فارسی» که آموزش زبان فارسی از راه زبان قزاقی است، چاپ آثار متعدّد اندیشمندان و شعرای تاجیک، ترجمه و چاپ کتاب «اندیشه‌های آبی» (آبای شخصیت ملی قزاقستان می‌باشد)، ترجمه و چاپ کتاب «مناص» (چهره ملی قرقیزستان)، تأسیس اطاق زبان فارسی در بخش‌های زبان فارسی دانشگاه‌ها و اقدامات متعدّد دیگر را مورد اشاره قرار داد. هم اکنون اساتید زبان فارسی آسیای مرکزی به صورت مرتب برای دوره‌های بازآموزی ادبیات فارسی به ایران دعوت می‌شوند و سمینارها در مورد زبان فارسی در آسیای مرکزی برگزار می‌شود.
